

An Examination of the Method and Interpretive Tendencies of Manifestation

Mehrnaz Goli¹

Mohammad Rigi Kote²

Received: 2024/08/09 • Revised: 2024/09/24 • Accepted: 2024/11/10 • Published online: 2024/12/17



Abstract

The analysis of the methods and interpretive tendencies of Qur'anic commentators is one of the key topics in contemporary Qur'anic studies. Manifestation Interpretation, the work of Sana'ullah Pani-pati, is considered one of the prominent interpretations of the Sunni scholars in the Indian subcontinent. By utilizing various interpretive approaches, it has had a significant impact on the understanding of the Qur'an in this region. This paper employs a descriptive-analytical method to examine Pani-pati's interpretive methodology and his theological, jurisprudential, allusive, and Sufi tendencies, while also trying to clarify the connection between these methods and the intellectual and religious foundations of the commentator. Additionally, the study refers to the interpretive sources used by Pani-pati and explores the role these sources played in the formation of his interpretive approach. The aim of this study is to analyze Pani-pati's ijthadi (jurisprudential) approach in engaging with the Qur'an and to explain how this interpretation addresses the intellectual, cultural, and religious needs of the Muslim community in India. The results of this

1. Assistant professor, Sistan University, Sistan and Baluchistan, Iran. goli_m@theo.usb.ac.ir.

2. M. A student, Sistan University. Sistan and Baluchistan, Iran. mohamad110@gmail.com.

* Goli, M., & Rigi, M. (2024). An Examination of the Method and Interpretive Tendencies of Manifestation. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(18), pp. 68-91.

research indicate that the combination of various approaches in Pani-pati's interpretation has not only strengthened a deeper understanding of the Qur'anic concepts but also led to the development of fresh and enriching perspectives in various religious and intellectual domains. As a comprehensive work, Pani-pati's interpretation has provided a suitable platform for constructive interaction between Muslims and religious texts, particularly influencing the cultural and religious dynamism of the community.

Keywords

Interpretive Methodology, Tendencies, Manifestation, Indian Commentators.



دراسة المنهج التفسيري في تفسير "المظهري" واتجاهه

مهرانز جولي^١ محمد ريكي كوته^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٨/٠٩ تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٢٤ تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١١/١٠ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٤/١٢/١٧

الملخص

يعد تحليل مناهج واتجاهات تفسير القرآن الكريم من القضايا الأساسية في الدراسات القرآنية المعاصرة. ويعتبر تفسير "المظهري" لثناء الله باني بتي من أبرز التفاسير السنوية في شبه القارة الهندية، والذي كان له أثر كبير في فهم القرآن الكريم في هذه المنطقة من خلال استخدام مناهج تفسيرية مختلفة. في هذا المقال تمت دراسة منهج التفسير الاجتهادي عند باني بتي واتجاهاتها الكلامية والفقهيّة والصوفيّة والرمزية، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، ويحاول توضيح العلاقة بين هذه الأساليب والأسس الفكرية والدينية للمفسر. كما تم في هذا البحث ذكر المصادر التفسيرية التي استخدمها باني بتي والتعرف على دور هذه المصادر في تشكيل منهجه التفسيري. تهدف هذه الدراسة إلى تحليل منهج باني بتي الاجتهادي في التفاعل مع القرآن الكريم وتوضيح كيفية استجابة هذا التفسير للاحتياجات الفكرية والثقافية والدينية للمجتمع المسلم الهندي. وتظهر نتائج هذه الدراسة أن دمج المناهج المختلفة في تفسير باني بتي، مع تعزيز الفهم العميق لمفاهيم القرآن الكريم، أدى إلى إنتاج وجهات نظر جديدة وغنية في مختلف المجالات الدينية والفكرية. ولقد تمكن تفسير باني بتي، باعتباره عملاً شاملاً، من توفير منصة مناسبة للتفاعل البناء بين المسلمين والنصوص الدينية، وتؤثر بشكل خاص على الفعالية الثقافية والدينية للمجتمع.

الكلمات المفتاحية

معرفة المنهج التفسيري، الاتجاه، المظهري، المفسرون الهنود.

goli_m@theo.usb.ac.ir

١. أستاذ مساعد في جامعة سيستان و بلوستان.

mohamad110@gmail.com

٢. طالب ماجستير في جامعة سيستان و بلوستان.

*جولي، مهرانز؛ ريكي، محمد. (٢٠٢٤م). دراسة المنهج التفسيري في تفسير "المظهري" واتجاهه بنصوص البيانات السابقة. الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥ (١٨)، صص ٦٨-٩١.

بررسی روش و گرایش تفسیری مظهری

مهرناز گلی^۱ محمد ریگی کوهته^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ * تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۰ * تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۹/۲۷

چکیده

تحلیل روش‌ها و گرایش‌های تفسیری مفسران قرآنی یکی از موضوعات کلیدی در مطالعات معاصر قرآن است. تفسیر مظهری، اثر ثناءالله پانی‌پتی، یکی از تفاسیر برجسته اهل سنت در شبه‌قاره هند به‌شمار می‌رود که با بهره‌گیری از رویکردهای گوناگون تفسیری، تأثیر قابل توجهی بر فهم قرآن در این منطقه داشته است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی روش تفسیری اجتهادی پانی‌پتی و گرایش‌های کلامی، فقهی، اشاری و صوفیانه وی پرداخته و در تلاش است تا ارتباط این روش‌ها با مبانی فکری و دینی مفسر را تبیین کند؛ همچنین، در این پژوهش به منابع تفسیری مورد استفاده پانی‌پتی اشاره شده و نقش این منابع در شکل‌گیری روش تفسیری او بررسی شده است. هدف از این مطالعه، تحلیل رویکرد اجتهادی پانی‌پتی در تعامل با قرآن کریم و تبیین چگونگی پاسخ‌گویی این تفسیر به نیازهای فکری، فرهنگی و دینی جامعه مسلمانان هند است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تلفیق رویکردهای متنوع در تفسیر پانی‌پتی، ضمن تقویت درک عمیق‌تر از مفاهیم قرآن، به تولید دیدگاه‌های تازه و غنی در حوزه‌های مختلف دینی و فکری انجامیده است. تفسیر پانی‌پتی، به‌عنوان یک اثر جامع، توانسته است بستری مناسب برای تعامل سازنده میان مسلمانان و متون دینی فراهم آورد و به‌طور ویژه بر پویایی فرهنگی و مذهبی جامعه تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها

روش‌شناسی تفسیر، گرایش، مظهری، مفسران هند.

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول). goli_m@theo.usb.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان. mohamad110@gmail.com

* گلی، مهرناز؛ ریگی کوهته، محمد. (۱۴۰۳). بررسی روش و گرایش تفسیری مظهری. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۸)، صص ۶۸-۹۱. <https://doi.org/10.22081/jqss.2024.69731.1322>



تفسیر قرآن کریم در طول تاریخ اسلام همواره یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین حوزه‌های علمی به‌شمار می‌رفته است. از میان تفاسیر برجسته‌ای که در شبه‌قاره هند به‌ویژه در دوران متأخر به نگارش درآمده‌اند، تفسیر مظهري اثر محمد ثناءالله پانی‌پتی (۱۷۳۰-۱۸۱۰م)، مفسر و فقیه حنفی، جایگاهی برجسته دارد. این تفسیر به دلیل رویکردهای متنوع تفسیری و استفاده از منابع مختلف، توجه محققان قرآنی را به خود جلب کرده است. با وجود این اهمیت، هنوز پژوهش‌های کافی و جامع در مورد روش و گرایش‌های تفسیری پانی‌پتی در این تفسیر انجام نگرفته است.

بیشتر محققان روش تفسیری پانی‌پتی را اجتهادی دانسته‌اند، روشی که بر تحلیل عقلی و منطقی برای درک معانی قرآن تأکید می‌کند. به‌عنوان مثال، خالقی در بررسی خود از تفسیر مظهري تأکید دارد که پانی‌پتی با استفاده از ابزارهای فقهی و عقلی، به تحلیل و تفسیر آیات قرآن پرداخته است (خالقی، ۱۳۸۳، ص ۵۴۷۲). از سوی دیگر، محققانی همچون لاهوری، بر گرایش‌های کلامی و اشاری-صوفیانه در تفسیر پانی‌پتی تأکید کرده و او را در زمره مفسرانی دانسته‌اند که از این روش‌ها برای تفسیر آیات بهره گرفته است (لاهوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸۹). این تفسیر به‌صورت ترکیبی از رویکردهای مختلف اجتهادی، کلامی و اشاری تدوین شده و به همین دلیل، یکی از تفاسیر جامع و قابل توجه در حوزه تفاسیر اهل سنت است.

به‌رغم اهمیت تفسیر مظهري و تأثیرگذاری آن بر جامعه مسلمانان هند، بررسی جامع و نظام‌مندی درباره روش‌ها و منابع تفسیری پانی‌پتی و چگونگی تأثیر آن‌ها بر تفسیر آیات قرآنی انجام نشده است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با تحلیل دقیق روش‌های تفسیری پانی‌پتی، از جمله روش اجتهادی و گرایش‌های کلامی و صوفیانه او، به شناخت عمیق‌تری از این اثر مهم قرآنی برسد. افزون بر این، منابع تفسیری مورد استفاده پانی‌پتی نیز در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی دقیق روش و گرایش‌های تفسیری محمد ثناءالله پانی‌پتی در تفسیر مظهري است.

سؤال اصلی پژوهش این است که پانی‌پتی چگونه از روش اجتهادی و گرایش‌های مختلف کلامی و صوفی در تفسیر خود استفاده کرده و این رویکردها چه تأثیری بر درک قرآن کریم داشته‌اند؟

فرضیه پژوهش این است که پانی‌پتی با بهره‌گیری از این روش‌های متنوع و جامع، توانسته است پاسخی فراگیر به نیازهای فرهنگی و دینی جامعه مسلمانان شبه‌قاره هند عرضه کند.

این پژوهش با تمرکز بر منابع تفسیری مختلف و روش‌شناسی پانی‌پتی، تلاش دارد تا درکی دقیق‌تر و جامع‌تر از تأثیر این تفسیر بر جامعه اسلامی عرضه کند.

۱. پیشینه

در شبه‌قاره هند مفسران بسیاری پا به عرصه تفسیر قرآن گذاشتند، اما دانش‌پژوهان به‌صورت عموم کمتر به معرفی مفسران این دیار و منهج‌های تفسیری آن‌ها پرداخته‌اند. به‌طور خاص، هیچ‌نوع پژوهشی جامع در معرفی تفسیر مظهري و صاحب آن، که به حق یکی از قرآن‌پژوهان و مفسران برجسته این دیار است، انجام نگرفته است. تنها اثری که درباره پانی‌پتی به نگارش درآمده، پایان‌نامه‌ای است با عنوان «نقد و بررسی آرای تفسیر مظهري درباره آیات ولایت» از اصغر خان دعبل، دانش‌آموخته‌جامعه المصطفی قم، در سال ۱۳۹۳ که به بررسی آیات ولایت پرداخته است.

۲. معرفی مفسر و جایگاه ایشان

محمد ثناءالله پانی‌پتی، صوفی برجسته طریقه مجددی نقشبندی و عالم و فقیه حنفی شبه‌قاره هند است که در سال ۱۱۴۳ق/۱۷۳۰م، دیده به جهان گشود. زادگاه و موطن او پانی‌پت، در نزدیکی دهلی بود و نسب وی با چندین پشت به شیخ جلال‌الدین کبیر، خلیفه سوم عثمان بن عفان، می‌رسد و نسب عثمانی او نیز از همین روست (خالقی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۵۴۷۲).

۳. تحصیل، جایگاه علمی، مناصب

ثناءالله از همان کودکی استعدادی درخشان از خود نشان داد و در سن هفت سالگی موفق به حفظ قرآن شد. او در نوجوانی زبان عربی را آموخت و پس از آن به دهلی رفت تا نزد ولیالله بن عبدالرحیم عمری، معروف به شاه ولیالله محدث دهلوی، به تحصیل فقه و حدیث پردازد. وی در هجده سالگی در علوم فقه و اصول به حدی از تسلط رسید که شاه عبدالعزیز بن ولیالله دهلوی او را «بیهقی عصر» نامید (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲).

ثناءالله پانی پتی، معروف به مظهری، یکی از مفسران برجسته و فقیه حنفی شبه قاره هند است. او در دوران جوانی به سلوک و تصوف گرایش پیدا کرد و ابتدا به شیخ محمد عابد لاهوری سنّامی (درگذشته ۱۱۶۰ق/۱۷۴۷م) پیوست. پس از وفات شیخ، به توصیه او نزد میرزا مظهر جان صاحب به مریدی پرداخت. مظهری (ثناءالله پانی پتی) در سن هفده سالگی از تحصیل علوم ظاهری فارغ شد و اجازه و خلافت را از استادان خود دریافت کرد. او سپس به ترویج علوم ظاهری و بهره‌رسانی باطنی پرداخت و به هدایت و ارشاد مردم مشغول شد (خالقی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۵۴۷۲). ثناءالله که به ارشاد شیخ خود بیشتر اوقاتش را به ذکر و مراقبه و قرائت قرآن می‌گذرانید، در مدتی کوتاه به مراتب بلندی رسید. میرزا مظهر به ثناءالله علاقه بسیار داشت و او را به دلیل جدیت در سلوک، دیانت و تقوا، «علم‌الهدی» لقب داد و خلیفه خود گردانید. ثناءالله آن‌گاه به پانی پت بازگشت و در آنجا چندی منصب قضا و حل اختلافات میان مردم را برعهده گرفت و به همین سبب، به قاضی نیز نام‌بردار شد (نوبهض، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۵).

۴. معرفی تفسیر

قاضی ثناءالله پانی پتی، معروف به مظهری، در سده سیزدهم هجری تفسیر مظهری را به زبان عربی و در ده جلد به رشته تحریر درآورد. این تفسیر بعدها به زبان اردو ترجمه شد. تفسیر مظهری به دلیل پوشش گسترده مسائل علمی و دقت در بلاغت زبان عربی،

توجه بسیاری از علما را به خود جلب کرده و شهرت بین‌المللی یافته است. به همین دلیل، نویسنده این تفسیر به‌عنوان یک شخصیت علمی برجسته در میان مذاهب مختلف شناخته می‌شود (دعل، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

تفسیر مظهري بر مبنای خاص نوشته نشده است و مفسر در مقدمه کتاب سبک خاص خود را بیان نکرده است، اما از مطالعه تفسیر ایشان، می‌توان این موضوع را دریافت که: مظهري تفسیر را به هفت نوع تقسیم کرده است. ایشان می‌نویسد: تفسیر قرآن جنبه‌های مختلفی از جمله تفاسیر محدثین، متکلمین، فقها، نحویین، فقها، ادبا و صوفیه دارد (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ج ۷، ص ۳۶۵). ثناء الله تشریح مسائل فقهی ذیل آیات را مطابق فقه حنفی انجام داده که این، نشان‌دهنده گرایش فقهی حنفی مؤلف است و در تبیین مطالب آیات و تفسیر آنها از روایات نیز استفاده کرده که می‌توان گفت روش روایی داشته و در بیان احادیث به جرح و تعدیل آنها نیز پرداخته است و روایات ضعیف را از قوی جدا کرده و در برخی موارد دلیل ضعیف بودن را هم بیان کرده است. وی به‌ویژه اسرائیلیات را رد کرده به قواعد ادبیات عرب و بحث قرائات نیز پرداخته است و به اقوال مفسران پیش از خود نیز توجه داشته و به کثرت نقل کرده است. وی به رموز و اسرار فرقه صوفیه علاقه خاصی نشان می‌دهد و رموز و اسرار آنها را با دلایل بیان کرده و در برخی موارد به توجیه آنها پرداخته است. این تفسیر را می‌توان تفسیری جامع دانست (ر.ک: رامپوری، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴). نویسنده این تفسیر را پس از درگذشت شیخ خود، میرزا مظهر، به یاد و به نام او به رشته تحریر درآورده است (خالقی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۵۴۷۳).

عبدالمجید مرادزهی خاشی در مقدمه خود بر ترجمه کتاب دیگر مؤلف، ما لابد منه، می‌نویسد:

در تمام مدت زندگی در افاضه فیض ظاهر و باطن و نشر علوم، حل و فصل اختلافات و افتاء مصروف بود. در علم تفسیر، فقه، کلام، تصوف و عرفان تبحر خاصی داشت و بیش از سی عنوان کتاب و جزوه در زمینه‌های مختلف تألیف نموده که

معروف ترین آن‌ها تفسیر قرآن التفسیر المظهری، گنجینه‌ای از تحقیقات علمی و فقهی او است (مرادزهی، ۱۴۱۵ق، ص ۴).

۵. وجه تسمیه تفسیر

قاضی ثنا الله پانی پتی در مورد نام و اسم‌گذاری تفسیر خودش به نام تفسیر مظهری می‌گوید: این تفسیر به نام استاد گرانقدر و مربی خودش حضرت میرزا مظهرجان جانان می‌گزارم «التفسیر المظهری». البته ایشان در تفسیر خودش چنان اشاره نموده‌اند، ولی در مکتوبی که برای نعیم الله بحرائچی نوشته، در آن وجه تسمیه تفسیر مظهری این‌چنان مکتوب نموده است. حقیر بیشتر اوقات را صرف در خواندن حدیث و تفسیر پیش استاد گرانقدر که صاحب علم لدنی و موهبتی است نمودم و فیض‌های فراوانی از ایشان بردم، لذا یک تفسیر دارم می‌نویسم که اسم آن را تفسیر مظهری گذاشته‌ام (شفیق، ۱۹۲۸ق، ش ۱۷۷، ص ۳۲۲).

۶. روش تفسیر مظهری

مظهری از جمله مفسرانی است که با مطالعه و بررسی تفسیر آیات از او، می‌توان درباره روش تفسیری او، روش‌های ذیل را مطرح کرد:

۱-۶. روش تفسیری قرآن به قرآن

روش تفسیری که نویسنده تفسیر مظهری به‌طور گسترده از آن بهره برده است، روش تفسیر قرآن با قرآن است. این روش بر این اصل استوار است که هر آیه‌ای با کمک آیات دیگر تفسیر شود، زیرا برخی آیات به تبیین آیات دیگر پرداخته و معانی و محتوای آن‌ها را روشن‌تر می‌کنند. مؤلف تفسیر مظهری به این روش توجه ویژه‌ای داشته و در سراسر قرآن، برای درک معانی و مفاهیم، به این شیوه تفسیری تکیه کرده است (مودب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷).

ما در اینجا نمونه‌ای از تفسیر قرآن به قرآن را که در تفسیر مظهري به کار رفته است ذکر می‌کنیم:

خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ؛ خداوند مالک و پادشاه روز قیامت و حساب و جزا است». ایشان در تفسیر و بیان کلمه «يوم الدين» در این آیه به آیه ذیل استناد کرده و در تفسیر از آن کمک گرفته است: «ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ * يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ سَيِّئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ؛ باز هم عظمت آن روز را چگونه توانی دانست، روزی که هیچ کس برای کس دیگری قادر بر انجام کاری نیست و تنها حکم و فرمان در آن روز با خداست» (انفطار، ۱۸-۱۹). در اینجا با تطابق دادن بین این آیه با آیه اولی مفهوم کلمه «يوم الدين» را بیشتر و بهتر آشکار کردند (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳)؛ همچنین در ذیل آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ راه کسانی که به ایشان نعمت داده ای» می‌گوید: کسانی که خداوند متعال نعمت خود را به آنها عطا کرده است، در آیه دیگری به طور مشخص معرفی شده‌اند که آنان شامل شهدا، صدیقین، انبیا و صالحین هستند، چون خداوند عالم در آیه دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ و آنان که اطاعت خدا و رسول کنند، البته با کسانی که خدا به آنان لطف فرموده یعنی با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد، و اینان نیکو رفیقانی هستند» (نساء، ۶۹). مصداق انعام‌شدگان را بیان کرده است (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹).

۶-۲. روش تفسیر مأثور

تفسیر قرآن براساس روایات و سنت صحابه، روشی است که به آن "تفسیر مأثور" گفته می‌شود (مودب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷). این نوع تفسیر بر پایه روایات معتبر از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همچنین اقوال و دیدگاه‌های صحابه شکل می‌گیرد، که صاحب تفسیر مظهري در تفسیر خودش از آن بهره می‌برد. ویژگی خاص تفسیر مظهري این است که مشتمل بر روایات بسیاری است. وی با ذکر احکام فقهی، مباحث عرفان، فضائل سوره‌ها و آیات، و فضایل تسبیح و ذکر و غیره، نه تنها روایات بسیاری را نقل کرده است؛ برعکس،

اصالت بسیاری از احادیث با توجه به سخنان محدثین و امامان مطرح شده است. از آنجایی که خداوند خطاب به رسولش می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» و بر تو - محمد - قرآن را نازل کردیم تا بر امت آنچه فرستاده شده بیان کنی تا عقل و فکر خویش را به کار بندند» (نحل، ۴۴) و پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا إِنِّي أُوتِيْتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ؛ آگاه باشید که به من قرآن و همان اندازه دیگر به آن از دستورات و احکام خداوندی داده شده است» (آلبانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۰۱). صاحب تفسیر مظهری بیشتر آیات را با روش تفسیر متأثر تفسیر کرده است و بر روایات تأکید بیشتری دارد. در اینجا نمونه‌ای از این روش ذکر می‌شود؛ برای نمونه می‌توان: به روایت‌های که از صحیح مسلم^۱، ترمذی^۲ (ترمذی ۱۴۲۶)، بخاری^۳ (بخاری ۱۴۲۱ق)، حاکم^۴ (حاکم ۱۴۳۶ق) و... در فضیلت سوره فاتحه را نقل می‌کند را اشاره کرد (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، صص ۱۱-۱۲).

ایشان اشاره می‌کند که آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره، ۱۹۶) دلیلی بر وجوب حج و عمره و همچنین وجوب به پایان رساندن آن‌هاست و تبدیل حج به عمره جایز نیست؛ همچنین در مورد وجوب حج، بیان می‌شود که اجماع علما بر این است که حج یک فرض قطعی بر افراد و یکی از ارکان اسلام است. به نقل از آیات قرآن و سخنان پیامبر اکرم ﷺ، حج یکی از پنج رکن اصلی دین است و در این خصوص احادیث زیادی نیز نقل شده است (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۶)؛ بنابراین وی برای

۱. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَسَمِعْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نَضْمَيْنِ، فَنَضَفْتُ لِي وَنَضَفْتُهَا لِعَبْدِي، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ «خداوند تبارک و تعالی فرمود: نماز فاتحه را میان خود و بنده ام دو نصف کردم، نصفش برای من و نصف دیگر برای بنده ام، بنده ام هرچه بخواهد به او داده می‌شود» (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۹۰۴).
۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْزَلَ فِي التَّوْرَةِ وَلَا فِي الْإِنْجِيلِ وَلَا فِي الزَّبُورِ وَلَا فِي الْقُرْآنِ مِثْلَهَا وَإِنَّهَا لَهِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي الَّتِي آتَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ (ترمذی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، صص ۱۷۸-۱۸۰).
۳. «... الْمَآخِذُ تَعْدِلُ ثُلْثِي الْقُرْآنِ...» (بخاری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۴۴۷۴).
۴. «... أَعْظَمُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هِيَ: السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ...» (بزرگترین سوره قرآن سوره حمد است که دارای هفت آیه می‌باشد و در هر رکعت نماز، تکرار می‌شود و آن، همان قرآن بزرگی است که به من عنایت شده است» (حاکم، ۱۴۳۶ق، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۷۰۶).

اثبات وجوب حج و تفسیر آیه برای دلالت بر وجوب حج به احادیث تمسک می‌کند.

۳-۶. روش تفسیر عقلی

قرائن عقلی، در روش تفسیر عقلی، عبارت است از بهره گرفتن از برهان برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن کریم، در این صورت، عقل، منبع تفسیر می‌گیرد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۶). با تأمل در تفسیر مظهري می‌توان پی برد که ایشان عقل را به‌عنوان ابزار در تبیین و توضیح آیات قبول دارد، نه به‌عنوان منبع، چون ایشان در تفسیر آیات به‌طور کامل عقل را دخیل می‌دانند و آن را به‌عنوان توجیه‌کننده به‌رسمیت می‌شناسد و آن را مترادف با تفسیر و تأویل می‌دانند، چنانچه ایشان در جلد اول تفسیر خود به این مطلب اشاره می‌کنند:

تفسیر قرآن یعنی تبیین شأن نزول، بیان قصه‌های مربوط او و اسباب نزول است که از طریق شنیدن مستقیم امکان‌پذیر است و باید مشتمل بر روایتی باشد که از طریق ثقة به ما رسیده باشد و تفسیر مانند فاروره‌ای است که طیب آن را می‌بیند و در آن غور و فکر می‌کند و براساس آن برای مریض دارو تجویز می‌کند. مفسر نیز شأن و اسباب نزول را بررسی می‌کند و در آن تأمل و فکر می‌کند و براساس آن نتیجه می‌گیرد، البته تأویل به معنی حمل کردن آیه به محمولی که عیناً با سیاق و سباق آیه مطابقت داشته باشد، به شرط اینکه مخالف کتاب و سنت نباشد؛ این چیزی است که علما به آن اجازه داده‌اند و مخالفی هم در کار نیست. ماده تأویل از اول گرفته شده که به معنی رجوع کردن است. در زبان عربی گفته می‌شود: «اولته فانصرف» من آن را چرخاندم آن چرخید، گاهی خداوند در قرآن مجید درهای را برای فکرکننده باز می‌کند که برای دیگران باز نمی‌شود (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۱).

۷. گرایش تفسیری مظهري

تفسیر مظهري با بهره‌گیری از اصول متنوع و گرایش‌های متعدد، از جمله گرایش لغوی و ادبی، تلاش کرده تا فهم عمیق‌تری از معانی قرآن به‌دست دهد. این گرایش‌ها به مفسر

کمک کرده تا ارتباطات معنایی دقیق‌تری میان آیات برقرار کرده و مفاهیم پیچیده قرآنی را به صورت روشن‌تر تبیین نماید.

۱-۷. گرایش لغوی و ادبی

یکی از گرایش‌هایی که صاحب تفسیر مظهري از آن استفاده کرده است گرایش لغوی است و می‌توان گفت که در تفسیر مظهري یکی از اعلی‌ترین اسلوب تفسیری در فن تفسیری لغوی قرآن می‌باشد که با کتب‌های طراز اول در این فن مشابهت دارد (عک، ۱۴۳۷ق، ص ۱۱۴). ایشان در توضیح واژه‌های لغوی اول ماده و ریشه آن را مشخص می‌کند، سپس به تفسیر آن می‌پردازد، به طور مثال در توضیح «رزقناهم» می‌نویسد، ماده آن رزق است و معنی آن حظ یعنی سهم می‌باشد. در قرآن خداوند متعال می‌فرماید: «وَجَعَلُوا رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكذَّبُونَ؛ روزی‌تان را (از آن و سپاس آن روزی را) این قرار می‌دهید که آن را تکذیب می‌نمایید؟»، سپس با استفاده از آن می‌گوید که اطلاق رزق به هر چیزی که در آن حیات وجود داشته باشد صحیح است (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰).

۲-۷. گرایش کلامی

تفسیر با گرایش کلامی، روشی است که يك مفسر در تفسیر آیات از مذهب و عقاید خود دفاع می‌کند. در این نوع تفسیرها، بیشتر آیاتی که بیان‌گر عقاید مسلمانان هستند، تحقیق و تدبیر می‌شوند و چون در بین مسلمانان هر مفسری از گرایش کلامی خاصی مانند اشعری، معتزله و شیعی، برخوردار است، گروهی از آنان با پذیرفتن مبانی فکری و اعتقادی خاص خود در کلام، به تفسیر آیات و دفاع از عقاید خویش و پاسخ‌گویی به شبهات مخالف می‌پردازند (علوی‌مهر، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳). نویسنده تفسیر مظهري در تفسیر خود به طور ویژه به آیاتی که بیانگر عقاید اصلی مسلمانان مانند توحید، عدل، نبوت، خلافت و معاد هستند، توجه کرده و این آیات را به تفصیل مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. او در تفسیر آیات اعتقادی و مباحث کلامی اهمیت بسیاری قائل شده و هر جا که ضروری دانسته، به طرح و بررسی این مباحث پرداخته است؛ همچنین،

او تحت تأثیر آرای ابن تیمیه و محدث دهلوی بوده و در بسیاری از موارد، نظریات کلامی شیعه را رد کرده است (بهرانچی، ۱۹۲۹م صص ۲۳، ۶). مظهري ذیل آیه ۶۴ سوره آل عمران «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ...» می‌گوید: طبق روایات جشن گرفتن و اجتماع هفتگی یا ماهانه یا سالانه کنار قبور انبیاء و اولیاء و ائمه و علماء ممنوع است، که در تفسیر مظهري به آن روایات اشاره کرده است (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۲، صص ۶۵-۶۶). البته در تفسیر مظهري ذیل آیه ۲۱ سوره كهف كه می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» موضوع مخالف بودن روایاتی كه از ساختن مسجد بر قبور پیامبران و اولیای الهی نهی کرده است، بررسی شده است و آنجا گفته شده كه اصل ساختن مسجد کنار قبور پیامبران و اولیای الهی مانعی ندارد و روایات از سجده بر قبور و به سوی قبور نهی کرده است (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۶، صص ۲۳-۲۴).

ایشان در تفسیر آیه اولی الامر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَوُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹) مطالبی را دارد كه بدان اشاره می‌شود:

از این آیه معلوم می‌شود كه اگر بین حكام و مردم، اختلاف واقع شود، سخن خدا و رسول خدا ﷺ در این اختلاف، «حرف آخر» تلقی خواهد شد، نه حرف اولی الامر. اگر مراد از اولی الامر، ائمه معصومین باشند پس مراجعه به قرآن و سنت با ترك رأی معصومین چطور؟ در حالی كه نزد شیعه، رأی معصومین هم مثل خودشان، همیشه معصوم می‌باشد. آنان نمی‌توانند چیزی غیر از قرآن و سنت بگویند. (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۲، صص ۱۵۲-۱۵۳).

مظهري در آیه ۳۰ سوره بقره: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؟» و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من می‌خواهم، به‌طور مستمر، در زمین جانشینی بیافرینم، گفتند: در آنجا مخلوقی پدید می‌آوردی كه تباهی كند و خونها بریزد؟ با اینکه ما تو را به پاکی می‌ستاییم و تقدیس می‌گوییم؟ گفت: من چیزی را می‌دانم كه شما نمی‌دانید، به این مطلب اشاره کرده است كه آدم عليه السلام، خلیفه

خداوند شد؛ زیرا بشریت امکان دریافت مستقیم فیض الهی را ندارند. وی در این زمینه می‌نویسد: «المراد بالخليفة آدم فإنه خليفة الله في أرضه لإقامة أحكامه و تنفيذ قضاياه و هداية عباده و جذبهم إلى الله و إعطائهم مراتب قربه تعالى و ذلك لا لاحتياج من الله تعالى إلى الخليفة بل لقصور المستخلف عليهم عن قبول فيضه و تلقي أمره بغير وسط و كذلك كل نبي بعده خليفة الله؛ مراد از خلیفه، آدم است؛ زیرا او جانشین خداوند در زمین برای اجرای احکام خداوند و هدایت بندگانش و جذبشان به سوی خداوند و دادن مراتب قرب الهی به آنها بوده است و این جانشینی، به خاطر نیاز خداوند متعال به جانشین نیست، بلکه بدین دلیل است که کسانی که خداوند بر آنها خلیفه تعیین کرده است، امکان پذیرش فیض الهی و دریافت دستوراتش را بدون واسطه نداشته‌اند و همچنین هر پیامبری پس از آدم جانشین خداوند است» (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۹).

مظهری در این نوشته، اولاً پذیرفته است که مراد از خلیفه در این آیه، خلافت و جانشینی الهی است و ثانیاً این جانشینی بدان جهت است که مردم امکان دریافت فیض و دستورات الهی را بی‌واسطه ندارند و ثالثاً هر پیامبری نیز پس از آدم خلیفه خداوند است. اما مظهری درباره اینکه پس از پیامبران نیز نیاز به خلیفه است یا خیر، سکوت کرده و چیزی نگفته است، اما دلیلش نشان می‌دهد که پس از ختم نبوت نیز، نیاز به جانشین و خلیفه همچنان ادامه دارد، هرچند این خلیفه، پیامبر نباشد. دلیل این مطلب آن است که اگرچه اکنون دیگر دستورات الهی نازل نمی‌شود و آنچه که نیاز بوده، به واسطه پیامبر ابلاغ شده است، اما فیض اعم از دستورات الهی است و به تصریح مظهری، بشریت امکان دریافت مستقیم فیض الهی را ندارند؛ بنابراین در هر دوره‌ای باید خلیفه وجود داشته باشد تا فیض الهی را به مردم برساند (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۲).

۷-۳. گرایش فقهی و اجتهادی

صاحب تفسیر مظهری در تفسیر خود به مباحث فقهی و اجتهادی اهمیت بسیاری داده است و برای استنباط احکام، به نصوص قطعیة استناد کرده و روش‌های اجتهادی مختلفی را مورد توجه قرار داده است. او به‌طور خاص در بحث‌های فقهی از اصول

ناسخ و منسوخ بهره برده و توجه ویژه‌ای به تفکیک احکام قطعی از غیر قطعی داشته است (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۲۴).

در موضوع تکبر نیز، مظهری با رویکرد اجتهادی به این مسئله پرداخته است. او اجتهاداً بین تکبر به عنوان یک گناه اخلاقی و تکبر به عنوان کفر تفاوت قائل می‌شود. به این معنا که اگر تکبر فرد صرفاً در برابر مردم باشد و استخفاف به شریعت در آن دیده نشود، گناه محسوب می‌شود؛ اما اگر فردی مانند پیامبر، زمامدار، یا عالمی را به خاطر علمشان حقیر بشمارد و این توهین به شریعت تعبیر شود، آن‌گاه کافر محسوب می‌گردد (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۴۲).

استنباطات فقهی وی بسیار ظریف است، که شاهدهی بر ایدئولوژی و بینش فقهی بالغ وی است. وی در توضیح آیه ۳۰ سوره معارج (إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ) می‌نویسد: برای زن مجاز نیست که رابطه جنسی با غلام مملوک خود داشته باشد، زیرا کلمه «علی» به معنای برتر بودن ارباب از ممالیک است، و کلمه «ما» بر غیر ذوی العقول دلالت دارد (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۶۷).

ایشان در مورد سفارت سفرای مدارس و جمع‌آوری اعانات و اعطای تشویقی و غیره به سفیر و نیز حقوق کسی که برای مراکز دعوی و حوزه‌های دینی کمک جمع‌آوری می‌کنند، می‌گوید: بر مدیر مدرسه لازم است که حقوق سفیر را به اندازه تأمین مایحتاج متوسط او تعیین کند و به او پیردازد، نه اینکه سفیر دنباله‌رو خواهشات خویش باشد (به نقل: از قنبرزی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۶۱). در متن تفسیرش این مطلب را این‌گونه بیان کرده است: «وقوله تعالی: «وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» فَإِنَّهُمْ السُّعَاءُ لِجَبَايَةِ الصَّدَقَةِ؛ رُوي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنََّّهُمْ يُعْطُونَ بِقَدْرِ عَمَلِهِمْ، وَعَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ مِثْلَهُ. وَلَا نَعْلَمُ خِلَافًا بَيْنَ الْفُقَهَاءِ أَنََّّهُمْ لَا يُعْطُونَ الثَّمَنَ، وَأَنََّّهُمْ يُسْتَحَقُّونَ مِنْهَا بِقَدْرِ عَمَلِهِمْ» (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۳۴).

ایشان معتقد به عورت بودن چهره زن است و می‌گویند: ویدل علی عدم إبداء المرأة وجهها قوله تعالی: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ؛ این قول خداوند که می‌فرماید: «ای پیامبر بگو به همسران ...» بر عدم جواز

ظاهر نمودن چهره برای زن دلالت دارد (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، صص ۴۹۵-۴۹۶).

همچنین ایشان در مورد آیه ۳۰ سوره نور اظهار نظر کرده است: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ بگویی به زنان مسلمان تا چشمان خود را پایین بیندازند». در باره شأن نزول این آیه چنین نوشته‌اند: جابر بن عبدالله می‌فرماید: اسماء دختر مرثد در نخلستان خود بود، چند زن وارد باغ شدند و شلووار نداشتند و ساق پا، سینه و گیسوان‌شان ظاهر بود، اسماء به ایشان فرمودند: چه منظر نازیبایی دارید؟! پس از آن آیه فوق نازل گردید. پس بهترین وسیله عفت برای زنان و مردان پایین گرفتن چشم است، در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، بی‌حجابی و بی‌حیایی بسیار عام و فراگیر است، انسان باید اولاً خوف و ترس الهی را در قلب خود جای داده و باور کامل داشته باشد که خداوند از اعمال من اطلاع کامل دارد، چون پرهیز نمودن از حرام به اندازه ترس از خدا است (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۴۹۱).

تعداد احکام فقهی ذکر شده در تفسیر مظاهری به قدری مکرر است که اگر همه آنها به ترتیب فقهی جمع‌آوری شود، کتابی بسیار معتبر و ارزشمند با موضوع احکام قرآن تهیه می‌شود. به صراحت می‌توان گفت که رنگ فقه در این تفسیر بیش از همه برجسته است. یکی از حسن‌های بزرگ نویسنده آن این است که او هرگز از راه اعتدال خارج نمی‌شود، در نوشته‌های او اثری از فرقه‌گرایی دیده نمی‌شود، زیرا به‌رغم اینکه قاضی صاحب در مذهب حنفی مفسر و سخنگو بود، اما در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که رأی ائمه ثلاثه (احمد، مالک و شافعی) را ترجیح می‌دهند.

۴-۷. گرایش صوفیانه

مظهری در تفسیر خودش از صوفیان متقدمین در این فن استفاده کرده است و از قرآن استنباط کرده است و در تفسیر خود از آموزه‌های صوفیان متقدم بهره برده و در استنباط برخی مفاهیم قرآنی به صوفیه اشاره می‌کند و می‌نویسد: «قلت و یحتمل أن یراد» (می‌گویم و احتمال دارد مقصود این باشد)، «و لعل المراد» (شاید مقصود این باشد) و «و من ههنا قالت الصوفیه» (و از اینجا صوفیان چنین گفتند) (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۱۰).

مظهري در تفسيرش پس از نقل روايت متواتر ثقلين مي نويسد: «رسول خدا ﷺ در اين روايت اشاره کرده به اهل بيت، زيرا آنها قطب ارشاد در ولايات هستند که نخستين آنها امير مؤمنان و سپس فرزندان آن حضرت تا امام حسن عسکري است (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۴، صص ۳۸۴-۳۸۵).

ثناء الله پاني پتي، معروف به مظهري، در تفسير خود از آموزه های صوفيان متقدم بهره گرفته و از قرآن استنباط هاي انجام داده است. او در بخش های مختلف تفسير خود از عباراتي مانند «قلت و يحتمل أن يراد» (مي گويم و احتمال دارد مقصود اين باشد)، «و لعل المراد» (شاید مقصود اين باشد)، و «و من ههنا قالت الصوفيه» (و از اينجا صوفيان چنين گفتند) استفاده کرده است (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۱۰).

مظهري در بخشي از تفسير خود، پس از نقل روايت متواتر ثقلين، مي نويسد: «رسول خدا در اين روايت اشاره کرده به اهل بيت، زيرا آنها قطب ارشاد در ولايات هستند که نخستين آنها امير مؤمنان و سپس فرزندان آن حضرت تا امام حسن عسکري هستند» (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۴، صص ۳۸۴-۳۸۵).

همچنين، براساس پژوهش يزداني (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «علامه مظهري حنفي: امير مؤمنان ﷺ قطب کمال ولايت»، مظهري تصوف خود را از هر نوع افراط و تفریط آزاد نگه داشته و متقاعد نشد قرآن را به تصوف تسليم کند. او تلاش کرد تصوف را براساس کتاب و سنت ترغيب نمايد، و ايدئولوژي تصوف وی با روح قانون اسلامي کاملاً سازگار بود.

نکته خاص در مورد تصوف قاضي اين است که وی از افراط و تفریط آزاد است، او متقاعد نشد که قرآن را به تصوف تسليم کند، او تلاش کرد تصوف را به کتاب و سنت ترغيب کند؛ بنا بر اين، ايدئولوژي تصوف وی عاری از آمیزه ای از ايدئولوژي هايی است که با روح قانون اسلامي سازگار نيست.

۸. مصادر و ماخذ تفسير مظهري

نگاهی کلی به منابع و ماخذ تفسير مظهري به خوبي نشان مي دهد که مؤلف برای

گردآوری و تدوین این اثر چه تلاش‌های چشمگیری انجام داده است. با بررسی این منابع، می‌توانیم گرایش‌ها و روش تفسیری او را به‌طور دقیق‌تر و روشن‌تر درک کنیم. از جمله ویژگی‌های بارز تفسیر مظهري، بهره‌گیری گسترده از تفاسیر معروف قدما است. قاضی ثناء الله پانی‌پتی در تفسیر خود از تفاسیر مشهوری مانند تفسیر طبری، تفسیر بغوی و تفسیر بیضاوی بهره برده است. این منابع به‌عنوان مهم‌ترین تفاسیر اهل سنت در قرون گذشته، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری تفاسیر بعدی داشته‌اند.

افزون بر این، وی از آثار دیگر مفسران و علما نظیر ابن اسحاق، کلبی، ابن کيسان، اخفش، زمخشری و فیروزآبادی نیز استفاده کرده است. این منابع نه تنها از حیث تفسیری، بلکه از جنبه‌های لغوی، تاریخی و فقهی نیز دارای اهمیت بوده‌اند.

این گستردگی در استفاده از منابع مختلف نشان‌دهنده تلاش جدی و زحمات فراوان قاضی ثناء الله پانی‌پتی در تدوین تفسیر مظهري است و همچنین بیانگر گرایش وی به یک روش جامع و ترکیبی در تفسیر قرآن کریم، که از تفاسیر مختلف و با توجه به دیدگاه‌های گوناگون بهره می‌برد.

نتیجه‌گیری

۱. قاضی ثناء الله پانی‌پتی از مفسران مهم شبه‌قاره هند در سده سیزدهم هجری است که با توجه به تفسیر به جای مانده از وی به نام «تفسیر مظهري» می‌توان گفت، که روش تفسیری او نخست قرآن به قرآن با رویکرد تدبیری و بلاغی است، و سپس از روایات نبوی و اقوال برخی صحابه، تابعین و دیگر مفسران به مناسبت‌های مختلف استفاده کرده است. ایشان ضمن پرداختن به واژگانی غریبی که در برخی آیات به کار رفته‌اند، به بیان ریشه آن، نکات اخلاقی، عرفانی و... آن پرداخته است؛ بنابراین، وی در تفسیر قرآن روش تلفیقی از سبک‌های تفسیری قرآن را اختیار کرده است، که شامل تفسیر قرآن به قرآن، روایی، اجتهادی و عقلی است. و در نهایت اینکه در مورد روش مظهري می‌توان گفت که جامع و اجتهادی است تفسیر مظهري از آن دسته تفاسیر است که نمی‌توان به‌صراحت حکم به گزینش روش خاصی در آن داد. وی در تفسیر خود، گرایش

کلامی، اشاری و صوفیه و گرایش فقهی نیز داشته است.

۲. قاضی ثناء الله پانی پتی بین اهل سنت و به ویژه احناف جایگاه ویژه‌ای داشته و از او به یکی از فقها و مفسران بزرگ شبه قاره هند یاد می‌شود؛ همچنین ایشان در میان علمای مورد اطمینان زمان خود مقبولیت داشته است.

۳. قاضی ثناء الله پتی با وجود اینکه پیرو مدرسه فقهی احناف است، اما در بسیاری از احکام فقهی، رأی خلاف امام مکتب را برگزیده، و رأی دیگر فقها را ترجیح داده است. این موضوع بیانگر آن است که وی از مذاهب فقها و مجتهدین به طور کامل آگاهی داشته و تلاش کرده است تا در تفسیر آیات الاحکام چیزی بر خلاف اجماع نگوید.

۴. در علوم لغت عربی، مانند صرف، نحو، بلاغت و فقه اللغه تخصص داشته باشد، به شکلی که ترتیب کلمات و ترکیب آنها و شناخت روش‌ها و دقائق کلام عربی برای او ممکن باشد.

۵. قاضی صاحب نه تنها در این تفسیر به طور مکرر موارد فقهی را ذکر می‌کند؛ بلکه در آرا ائمه دیگر و ادله آنها را ذکر کرده، نقاط ضعف استدلال آنها را برجسته کرده و دلایل ترجیحی مکتب غالب را مورد گفتگو قرار داده است. صاحب تفسیر مظهري در تفسیر خودش بحث‌های فقهی و اجتهادی را نیز بها داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آلبانی، ناصرالدین. (بی تا). صحیح رواه أبو داود. نشر الکترونیکی بر روی شامله.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). صحیح بخاری. نشر الکترونیکی مکتبه الشامله.
۳. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. بهرائچی، محمد فاروق. (۱۹۲۹م). مجله معارف اعظم گره، سردبیر: ندوی، سید سلیمان، شماره ۱۷۷، هند.
۵. پانی پتی، ثناء الله. (۱۴۱۵ق). ما لا بد منه: احکام و مسائل فقه حنفی به زبان ساده (مترجم و مقدمه: عبدالمجید مرادزهی خاشی). زاهدان: نشر فاروق اعظم.
۶. ترمذی، ابو عیسی. (۱۴۲۶ق). سنن ترمذی. نشر الکترونیکی مکتبه الشامله.
۷. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (۱۴۳۶ق). مستدرک علی الصحیحین. نشر الکترونیکی، مکتبه الاسکندریه،
۸. حسن زاده، آملی. (۱۳۷۴). قرآن، عرفان و برهان از یکدیگر جدایی ناپذیرند. تهران: قیام.
۹. خالقی، محسن. (۱۳۸۳). در سید محمد کاظم موسوی بجنوردی (ویراستار)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۳). تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. دعبل، اصغر خان. (۱۳۹۳). نقد و بررسی آراء تفسیر مظهری درباره آیات ولایت. جامعه المصطفی، قم: مجتمع آموزشی عالی فقه.
۱۱. غیاث الدین رامپوری، محمد. (۱۳۹۳). فرهنگ غیاث اللغات. تهران: امیر کبیر.
۱۲. شفیق، محمد سهیل. (۱۹۲۸ق). مجله معارف اعظم گره. سردبیر: ندوی، سید سلیمان، شماره ۱۷۷، هند.

۱۳. عک، خالد عبدالرحمن. (۱۴۳۷ق). اصول التفسیر و قواعدہ. بیروت: دار النفایس.
۱۴. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۹). روش‌ها و گرایش‌های تفسیری. تهران: اسوه.
۱۵. قنبرزهی، خدانظر. (۱۳۸۹). محمود الفتاوا، (فتاوی دارالعلوم مکی زاهدان، زیر نظر اسماعیل زهی، عبدالحمید). زاهدان: انتشارات صدیقی.
۱۶. لاهوری، غلام سرور. (۱۳۸۳). خزینة الاصفیاء. بی‌جا: منشور امید.
۱۷. مرادزهی خاشی، عبدالمجید. (۱۴۱۵ق). ما لابد منه. زاهدان: انتشارات فاروق اعظم.
۱۸. مجددی، عبدالله. (بی‌تا). مقامات مظهریه. نشر الکترونیکی.
۱۹. مظہری، محمد ثناء اللہ. (۱۴۱۲ق). تفسیر المظہری (محقق: غلام نبی تونسسی). پاکستان: مکتبہ رشدیہ.
۲۰. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۸۰). روشهای تفسیر قرآن. قم: دانشگاه قم، انتشارات اشراق.
۲۱. نویهض، عادل. (۱۴۰۹ق). مُعْجَمُ الْمُفَسِّرِينَ. بیروت: مؤسسه نویهض الثقافیة للتألیف والترجمة والنشر.
۲۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۶ق). صحیح مسلم. نشر الکترونیکی مکتبہ الشاملہ.
۲۳. یزدانی، سیدمحمد. (۱۳۹۷، ۲۴ تیر). علامه مظہری حنفی: امیر مؤمنان علیہ السلام قطب کمال ولایت. برگرفته از <http://www.sayyedmohammadyazdani.com>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

* The Holy Qur'an

1. 'Ak, K. A. (2016). *Usul al-Tafsir wa Qawa'iduh*. Beirut: Dar al-Nafa'is. [In Arabic]
2. Alavi-Mehr, H. (2010). *Methods and Approaches in Qur'anic Exegesis*. Tehran: Oswa. [In Persian]
3. Albani, N. (n.d.). *Sahih Rawa Abu Dawood*. Electronic publication on Shamele.
4. Baghawi, H. M. (2000). *Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
5. Bahraichi, M. F. (1929). *Ma'arif Azamgarh Journal* (No. 177). Edited by S. S. Nadwi, India.
6. Bukhari, M. I. (2001). *Sahih al-Bukhari*. Electronic publication, Maktabat al-Shamela. [In Arabic]
7. Dabal, A. (2014). *A Critique of Tafsir Mazhari's Views on the Verses of Wilayah*. Qom: Jami'at al-Mustafa, Higher Institute of Fiqh Studies. [In Persian]
8. Ghiyasuddin Rampuri, M. (2014). *Ghiyas al-Lughat Dictionary*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
9. Hakim Neishaburi, A. A. (2015). *Mustadrak 'ala al-Sahihayn*. Electronic publication, Maktabat al-Iskandariyah. [In Arabic]
10. Hassanzadeh Amoli, H. (1995). *The Qur'an, Mysticism, and Rationality Are Inseparable from Each Other*. Tehran: Qiyam. [In Persian]
11. Khaleqi, M. (2004). In S. M. K. Mousavi Bojnourdi (Ed.), *The Great Islamic Encyclopedia* (Vol. 13). Tehran: Center for the Islamic Encyclopedia. [In Persian]
12. Lahoori, G. S. (2004). *Khazinah al-Asfiya*. Manshur Omid. [In Persian]

13. Mazhari, M. S. (1992). *Tafsir al-Mazhari* (G. Nabi Tunesi, Ed.). Pakistan: Maktaba Rashdiyyah. [In Arabic]
14. Mo'addab, S. R. (2001). *Methods of Qur'anic Interpretation*. Qom: University of Qom, Ishraq Publications. [In Persian]
15. Mojaddedi, A. (n.d.). *Maqamat Mazhariyyah*. Electronic publication.
16. Muradzahi Khashi, A. (1995). *Ma La Bud Minhu*. Zahedan: Faruq A'zam Publications. [In Persian]
17. Neishaburi, M. H. (1995). *Sahih Muslim*. Electronic publication, Maktabat al-Shamela. [In Arabic]
18. Nuwaihidi, A. (1988). *Mu'jam al-Mufassirin*. Beirut: Nuwaihidi Cultural Institution for Publishing and Translation. [In Arabic]
19. Panipati, S. (1995). *Ma La Bud Minhu: Ahkam wa Masa'il Fiqh Hanafi be Zaban Sadeh* (A. Mordzehi Khashi). Zahedan: Faruq A'zam Publications. [In Persian]
20. Qanbarzahi, K. (2010). *Mahmud al-Fatawa* (Fatawa Darul Uloom Makki Zahedan, supervised by I. Zahie Abdul Hamid). Zahedan: Sedighi Publications. [In Persian]
21. Shafeeq, M. S. (1928). *Ma'arif Azamgarh Journal* (No. 177). Edited by S. S. Nadwi, India.
22. Tirmidhi, A. (2005). *Sunan al-Tirmidhi*. Electronic publication, Maktabat al-Shamela. [In Arabic]
23. Yazdani, S. M. (2018, July 15). *Allama Mazhari Hanafi: Amir al-Mu'minin Qutb Kamal Wilayat*. Retrieved from <http://www.sayyedmohammadyazdani.com>. [In Persian]